



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۰۵

رفعت حسینی

## شاعران پارسی : ابزار تبلیغاتی ستمگران

فردوسی و وابستگان خانواده اش، در تمامی سال هایی که در جغرافیای ایران آن وقت ها مشغول سرایش کتاب مطولش بود، تاختم کار اساسی یعنی سرودن شهنامه، با پولی که محمود بادار آغای غزنوی برایش [ مقرر ] کرده بود می زیستند و می خوردند.  
(خرافه پرستان ایرانی، و افسانه پرستان تاجیک افغانستان، شهنامه را حماسه ملی تاجیکان، معرفی نموده اند.)  
به برهان و سبب همین کار یعنی مددگاری محمود، فردوسی، برای محمود، تبلیغ می کرد :

جهاندار محمود، شاه بزرگ  
به آبشخور آرد همی میش و گرگ  
چو کودک لب از شیر مادر بشست  
ز گهواره محمود گوید نخست

ازسوی دیگر، حقیقت دیگر زندگی فردوسی، افزون بر پول مقرری از غزنه، خرافات اندیشیدن  
و داشتن افکار گندیده و گوهناک بود.  
حماسه ملی سرا!!!!!! باورداشت که:

به کاری مکن نیز فرمان زن  
که هرگز نبینی زن رای زن  
کرا در پس پرده دختر بود  
اگر تاج دارد بد اختر بود  
(شاهنامه کلکته ص 283 سطر 3)

.....  
کرا دختر آید بجای پسر  
به از گور داماد ناید به در  
(شاهنامه چاپ مسکو، ج5، ص23)

.....  
چو فرزند شایسته آمد پدید  
ز مهر زنان دل بیاید پرید  
(شاهنامه چاپ ژول مول، ج2، ص123)

.....  
ز مردان مکن یاد در پیش زن  
دل زن همان دیو را هست جاي

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

(شاهنامه چ. ژول مول، ج 1، ص 125)

تو آن را جز از باد و بازي مدان  
گزارف زنان بود و راي بدان  
(شاهنامه چ. مسکو، ج 8، ص 102)

...  
نبایستی از یادبرد که :

یک/

درواقع در قرون گذشته، و هم در سده های ۲۰ و ۲۱، شاعران پارسی سرای در حوزه افغانستان امروزی، ابزار تبلیغاتی زمامداران (سلاطین و درباریان برنامه گزار) به حساب می آمدند. یعنی شاعران، و بخصوص شاعران پارسی یا دری /فارسی گوی، دست پرورده حکمداران و برنامه ریزان و بنابراین [کارگزار] و فرمانبر و منقاد بودند. از طریق تعریف و تمجید بشیوه شاعرانه از سلاطین و حاکمان تمامی مناطق، حاکمیت حکمرانان بر مردم تثبیت می شد.

یکی از شیوه های زیستن زیرسلطه « ملوک طوایف».

>>در دورانی که با سوادان و کتابخوانان آنزمان کشور به یک در هزار نفر هم نمی رسیده و تازه بدست آوردن کتاب که با دست نوشته می شد خیلی دشوار بود و هر با سوادی قادر به بدست آوردن کتاب نمی بود، آیا کالای شاعر که شعر باشد خریداری جز دربار می توانست داشته باشد؟!<<

دو/

شاعران جغرافیای افغانستان هم مثل بقیه انسانها دارای حس فرومایگی، آز، چاپلوسی و طمع و دیگر احساسات منفی و مثبت بوده و اندیشه های درونی خویش را در قالب اشعار [قصیده/قطعه/رباعی] بروز داده اند.

وبهمین سبب در قرن بیست و بیست یک نیز، امثال این اراجیف و مزخرفات در خاکزار افغانستان بوجود آمد:

سرودها به نفع حزب آدمکش خلق از سوی اسدالله حبیب و باریق شفیعی و عبدالله ناییب و سلیمان لایق،

مدحیه ها برای مجاهدین اسلامی چون شعرکبیر فرخاری برای دوستم و شعرحیدری وجودی  
برای قسیم فهیم،

شعرخلیل الله خلیلی ( بنمایندگی مجاهدین جمعیت اسلامی) برای ضیاالحق زمامدار پاکستان.

سه/

وسخنوران سرزمین های نامنکشف و نامتمدن [مادی - معنوی] مثل افغانستان، بیگانه با ارزشهای حقوقی/مدنی هستند. مانند بیشترین مردم.

\*

سعدی و منوچهری و حافظ و بیدل و جلال رومی و جامی و عنصری و فردوسی و و و و و و و و از کشورهای دیگر اروپایی، ممالک آشنا شده با معاییر متمدن، با افغانستان / ایران برای تدریس مدنیت و معنویت برتر نیامده بودند.

### بهمین سبب در مورد کاینات و هستی خرافه اندیش و زن ستیز و مداح ستمگران بودند.

طبیعی است که زمام داران و سلاطین هم کالایی را می خریدند و می خریدند که دلخواهشان باشد. در این میان هر شاعری که بیشتر از سخنوران دیگر در اشعارش حکمداران خود را بزرگ و با عظمت، والا مقام، سخاوتمند، دلاور و عادل و رعیت دوست نشان می داد و می دهد به صله و انعام بیشتری دست می یابد.

این گونه اشعار تقریباً در همه دیوانهای شاعران فارسی گوی موجود است. یعنی هر شاعر پارسی گوی ممدوحی دارد و برای خوشی و رضای خاطر ممدوح، قدرت و استعداد شاعرانه خود را تا سرحد ممکن به کار می برد.

و چه بسیار شعرای پارسی گویی که سلاطین ترک تبار را چاپلوسانه مدح کرده اند تا به صله و انعام بزرگتری دست یابند!

خیلی طبیعی است که بوجد آمدن شاهنامه هم بیرون از این چوکات نبوده است و فردوسی هم به وعده یک دینار (زر) برای هر بیت شاهنامه از طرف سلطان محمود، زحمت سالها سرودن شاهنامه را بر خود هموار کرده است و شست هزار بیت سروده است!

>> البته وعده یک دینار طلا بر هر بیت شاهنامه تنها، وعده سلطان محمود به فردوسی بعد از ((پایان کار سرودن شاهنامه)) بوده است، و الا فردوسی در طول چند سالی که مشغول سرودن شاهنامه بوده صله و انعام معمولی و مستمر سلطان محمود را دریافت می کرده است، چون شاعری که کارش شعر گویی باشد و کار دیگری انجام ندهد زندگی اش جز با صله و انعام زمامداران نمی توانسته است بچرخد!<<

از فردوسی گرفته تا عنصری، عسجدی، منوچهری دامغانی، فرخی سیستانی، مسعود سعد سلمان، سنایی غزنوی، انوری ابیوردی، جمال الدین اصفهانی، اثیرالدین اخسیکتی، امیر خسرو، سعدی و حافظ شیرازی، فخرالدین عراقی و دیگر فارسی سرایان، همه و همه مداح سلاطین ترک و مغول بودند و به همین خاطر هم هست که زبان فارسی به زبان دری، یعنی زبانی که در دربار سلاطین و پادشاهان برای تعریف و توصیف از آنها مورد استفاده قرار می گرفته مشهور شده است.

فردوسی در ستایش از سلطان محمود غزنوی می گوید :

یکی گفت کین شاه روم است و هند

ز قنوج تا پیش دریای سند  
به ایران به توران و را بنده اند  
به رای و به تدبیر او زنده اند!!

---

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ